

تحلیلی بر معماری مکشوفه از نخستین فصل کاوش بنای قلا گوری رماوند

عطا حسن پور

دانشجوی مقطع دکتری باستان‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات و مدیر روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان.
atahasanpur@gmail.com

فاطمه دلفان

کارشناسی ارشد معماری از دانشگاه علوم و تحقیقات همدان
f.delfan63@yahoo.com

الهام بیرانوند

کارشناس ارشد معماری از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران
Ebeyranvand@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴ / ۹ / ۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵ / ۴ / ۲۵

چکیده

در این نوشته آثار معماری مکشوفه از نخستین فصل کاوش‌های اضطراری محوطه باستانی قلا گوری رماوند^۱ در سال ۱۳۸۹ معرفی شده است. این کاوش‌ها با انگیزه نجات‌بخشی این محوطه از خطر آبگیری سد سیمره انجام گرفت. هدف اصلی در این کاوش‌ها مستندسازی آثار منقول و غیر منقول و نجات‌بخشی آنها قبل از آبگیری سد سیمره و انهدام آنها بود. طرح کاوش نجات‌بخشی محوطه قلاگوری رماوند در اوایل پاییز سال ۱۳۸۹ به پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان و با اخذ مجوز از پژوهشکده باستان‌شناسی آغاز شد. کاوش در این محوطه به دلیل وجود اثر ارزشمند معماری به روش ارگانیک صورت گرفت و با توجه به محدودیت زمان، بخش اندکی از این بنا کاوش شد و هیئت کاوش موفق به آزادسازی و خاک‌برداری کامل بنا نشد. در نتیجه ادامه حفاری به فصل دوم موکول شد. در این فصل کاوش به چهار کارگاه با ابعاد ۵×۵ متر محدود شد و حاصل آن آزادسازی قسمت‌هایی از یک بنا با چهار فضای مرتبط به هم بود. اجزای معماری مکشوفه از یک فضای رابط در شمال ترانشه با جهت شرقی-غربی تشکیل شده است که به دو اتاق موازی با جهت شمالی-جنوبی راه دارد. این دو اتاق نیز در ضلع جنوبی به یک اتاق ستون‌دار با جهت شرقی-غربی منتهی می‌شوند. این مقاله با رویکردی تاریخی-فرهنگی و با استفاده از روش‌های مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای تهیه و تدوین شده است. در این بین کوشش شد تا پس از توصیف فضاهای معماری و مراحل کاوش، بر اساس گزینه‌های دسته‌بندی‌شده و مقایسه تطبیقی با چند بنای مشابه و همجوار از جمله محوطه‌های برزقوله^۲ و خانه اربابی دره‌شهر به تحلیل و شناخت هر چه بهتر عناصر ساختاری این بنا که مربوط به دوران ساسانی است، بپردازیم.

واژه‌های کلیدی:

حوزه آبگیر سد سیمره، قلا گوری رماوند، رودخانه سیمره، معماری و گچبری ساسانی.

در اواسط دهه ۱۳۷۰ خورشیدی کلنگ احداث یک سد برق آبی به نام «هینی مینی» در منطقه‌ای به همین نام (مابین شهرهای بدره و دره شهر) به زمین زده شد. این پروژه همچون بسیاری از پروژه‌های دیگر بدون انجام مطالعات جامع آغاز شد. تا آنجا که پس از گذشت بیش از یک دهه متولیان امر متوجه وجود آثار باستانی متعددی در محدوده حوضه آبیگر سد شدند. لذا تصمیم بر آن شد جهت ادامه این پروژه ملی و نجات آثار، عملیات شناسایی آثار صورت پذیرد. نتایج نخستین بررسی به عمل آمده در سال ۱۳۸۶ در حوضه آبیگر سد هینی مینی که دیگر به سد سیمره تغییر نام یافته بود، از وجود بیش از یکصد اثر فرهنگی-تاریخی خبر می‌داد. تعدد آثار و ارزش احتمالی برخی از آنها زنگ خطری بود برای مسئولان وقت میراث فرهنگی کشور، اما صد افسوس که این آهنگ خطر با یک دهه تأخیر در گوش مسئولان نواخته شد. به هر ترتیب طبق توافق به عمل آمده میان پژوهشکده باستان‌شناسی کشور و وزارت نیرو، نخستین فصل از کاوش‌های باستان‌شناسی سیمره در اواخر سال ۱۳۸۷ در محوطه‌های چیا سبز و چم قوله آغاز شد و در قدم بعدی آثار نزدیک به دیواره سد سیمره از جمله محوطه‌های پیش از تاریخی پیروز علی، چار او رو^۳ و چشمه رجب کاوش شدند. در سال ۱۳۸۹ نیز محوطه تاریخی قلا گوری که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته و محوطه برزقوله^۴ و چند اثر دیگر کاوش شدند.

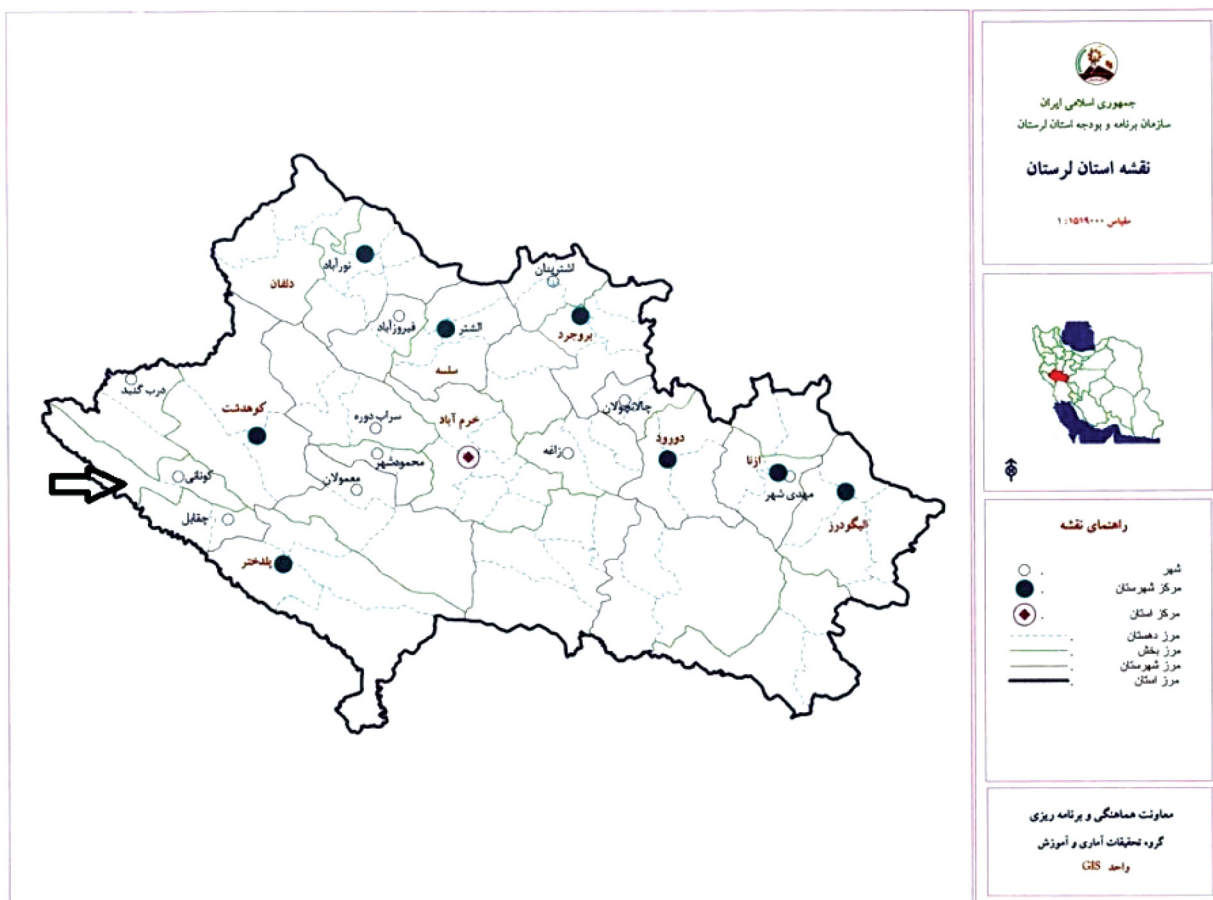
آنچه در این مقاله حائز اهمیت است معرفی بنایی است که به برهه‌ای تاریک از دوره ساسانی در منطقه لرستان تعلق دارد، و فرصت مطالعه آن تنها در این بازه زمانی میسر بود و اما پس از آبیگری سد سیمره با تمام ارزش‌های تاریخی و ساختاری و... بار دیگر مدفون خواهد شد ولی این بار نه در زیر خاک بلکه در زیر آب. با توجه به اینکه لزوم ثبت و ضبط الگوهای معماری پیشین مسجل است سعی بر آن شد که بارلوه دقیق و تحلیل ساختار بنای قلا گوری به این مهم دست یابیم.

پیشینه پژوهش

نخستین بررسی منطقه سیمره مربوط به سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ میلادی است که سر اورل اشتاین از این منطقه عبور کرده و برخی از محوطه‌های سیمره را نام برده است (Stein, 1940). در سال ۱۳۸۴ این اثر به نام تپه قلعه گوری رماوند به شماره ۱۵۲۰۶ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. در سال ۱۳۸۶ حوضه آبیگر سد سیمره توسط آقای سیدرسول سیدین بروجنی شناسایی و بررسی شد و تپه قلعه گوری رماوند اثری مربوط به دوره پارت و ساسانی تشخیص داده شد (بروجنی، ۱۳۸۶). در نهایت این اثر در پاییز سال ۱۳۸۹ با هدف نجات بخشی آن از خطر آبیگری سد سیمره، توسط عطا حسن پور کاوش شد (حسن پور، ۱۳۸۹).

موقعیت جغرافیایی

شهرستان کوه‌دشت با مساحتی برابر با ۳۹۰۴ کیلومتر مربع در محدوده ۴۷ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و در غرب استان لرستان واقع شده است (نقشه ۱). این شهرستان از شمال با شهرستان دلفان، از جنوب با استان ایلام، از شرق با شهرستان‌های پلدختر و خرم‌آباد و از غرب با استان کرمانشاه هم‌مرز است (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۲۸۴). بخش کونانی به مرکزیت شهر کونانی در ۴۵ کیلومتری جنوب غرب کوه‌دشت واقع است و از سه دهستان به نام‌های طرهان^۵ و کونانی^۶ و زیرتنگ تشکیل شده است. محوطه قلا گوری نیز در ۲۸ کیلومتری جنوب غرب شهر کونانی در منطقه‌ای به نام رماوند از توابع دهستان زیرتنگ قرار گرفته است. این اثر در موقعیت جغرافیای 38 0699840-UTM 3691230 S و ارتفاع ۶۵۶ متر از سطح دریا قرار دارد. فاصله محوطه قلا گوری از روستای متروکه رماوند بساط بگی در شرق حدود ۱۰۰۰ متر و از محوطه برزقوله در شمال شرق کمتر از ۳۰۰ متر است (تصویر ۱).



نقشه ۱. موقعیت شهرستان کوهدشت در غرب استان لرستان (مأخذ: اسماعیلی ۱۳۸۶: ۳).

لرستان در غرب و جنوب کوهدشت جریان دارد و مرز استان لرستان با استان‌های کرمانشاه و ایلام است. این رودخانه از سرابی به نام گاماسیاب در جنوب غرب استان همدان و دامنه شمالی کوه گرین سرچشمه می‌گیرد و به سمت شرق جریان می‌یابد. این رودخانه در استان همدان جهتی شمالی و سپس غربی به خود گرفته و با پیوستن به رودخانه قره‌سو در استان کرمانشاه به سمت جنوب تغییر مسیر می‌دهد. پس از وارد شدن به خاک لرستان در منطقه رودبار کوهدشت، مجدداً جهت این رودخانه به حالت اولیه خود برمی‌گردد و در جهت شرق جریان می‌یابد. پس از پیمودن مسیری در حدود ۴۰ کیلومتر از رودبار تا تنگه کفنیلا به دیوار بتونی ۱۸۲ متری سد سیمره در شهرستان دره‌شهر می‌رسد و با عبور از دریچه‌های سد سیمره به منطقه چم کلان، سیکان و دره‌شهر وارد می‌شود و در نزدیکی پل تاریخی گاو میشان

ابعاد محوطه قبل از کاوش حدود 70×30 متر بود، اما قدر مسلم در گذشته بیشتر بوده است، زیرا بخش‌های جنوبی آن طی سالیان دراز به وسیله رودخانه شسته شده و به کف دره ریخته است. به طوری که در برش تقریباً ۲۰ متری دیواره رودخانه و ساحل آن قسمت‌هایی از عناصر معماری به خوبی قابل رؤیت بود (تصویر ۲). دامنه‌های شمالی و غربی و شرقی تپه به دست کشاورزان به زیر کشت رفته بود و در سطح تپه بقایای سازه‌های معماری و رد دیوارها رُخ‌نمون داشت. رودخانه سیمره در منطقه راموند از دره‌ای ناهموار و محصور بین کوه‌های دربندکبود در شمال و سی‌پیر در جنوب عبور می‌کند. محوطه قلاگوری در ساحل شمالی رودخانه سیمره و دامنه جنوبی کوه دربندکبود، روی یک تراس آبرفتی قرار گرفته است (تصویر ۳). رودخانه سیمره که طولش ۷۱۴ کیلومتر است به عنوان بزرگ‌ترین رودخانه



تصویر ۱. موقعیت محوطه قلا گوری رماوند نسبت به سد سیمره و روستای زیرتنگ سیاب (برگرفته از: Google earth).



تصاویر ۲ و ۳. عوارض طبیعی و محوطه‌های باستانی اطراف محوطه قلا گوری (عکس از: عطا حسن پور).

دقیق‌تر، به روش اندازه‌گیری سه سویه و تعیین عمق یافته نسبت به نقطه ثابت، موقعیت دقیق یافته‌ها مشخص شد. مهم‌ترین هدف از کاوش اضطراری این اثر نجات‌بخشی و کسب اطلاعات فرهنگی - تاریخی از آن بود. هر چند که هیچ‌گونه نجات‌بخشی به معنای واقعی در کاوش‌های سد سیمره وجود نداشت، زیرا در صورت کاوش یا عدم کاوش و خواسته یا ناخواسته این اثر به زیر آب می‌رفت. لذا بهتر است بگوییم هدف اصلی از کاوش بهره‌گیری از یک فرصت کوتاه برای شناخت یک اثر مهم و دستیابی به حداقل اطلاعات فرهنگی - تاریخی، قبل از نابودی کامل این اثر بود. قبل از کاوش علمی محوطه، حفاران غیر مجاز بخشی از محوطه را مورد کند و کاو قرار داده و در یکی از چاله‌های

رودخانه کشکان نیز به آن اضافه شده و با نام رود کرخه در امتداد کبیرکوه به سمت جنوب ادامه مسیر می‌دهد و پس از پیوستن رودخانه زال به آن، نهایتاً در پشت سد کرخه آرام می‌گیرد. در واقع رودخانه سیمره از معدود رودخانه‌های کشور است که از سرچشمه تا انتها در چهار جهت جغرافیایی حرکت می‌کند و پنج استان همدان، کرمانشاه، لرستان، ایلام و خوزستان را در طول مسیر خود سیراب می‌سازد (حسن پور، ۱۳۸۶: ۳۰).

روش و اهداف کاوش

روش ثبت، ضبط و مستندنگاری داده‌ها و مواد فرهنگی نیز به صورت لوکوس - فیچر بود و برای دستیابی به اطلاعات

و موازی هم با جهت شمالی-جنوبی در مرکز ترانشه و یک اتاق ستوندار با جهت شرقی-غربی، در جنوب ترانشه (تصاویر ۴ و ۵ و نقشه‌های ۲ تا ۴). بلندترین نقطه تپه که در کنار دیواره شرقی کارگاه Id قرار داشت، به عنوان نقطه ثابت کاوش جهت اندازه‌گیری‌ها در نظر گرفته شد. ارتفاع این نقطه از سطح دریا ۶۵۶ متر است. اکنون به ترتیب از شمال به جنوب ترانشه به توصیف فضاهای معماری مکشوفه که با حرف S (Space) از ۱ تا ۴ مشخص شده اند، می‌پردازیم:

فضای رابط (S1)

فضایی که در نتیجه کاوش کارگاه‌های Ia و Ib مشخص شد، پلانی مستطیل شکل به ابعاد ۲۳۲×۸۷۴ سانتی‌متر دارد. در جبهه شمالی این فضا بخشی از یک جرز بزرگ و مکعبی شکل نمایان شد که آزادسازی آن به علت محدودیت زمان و محدودیت بودجه به فصل‌های بعد موکول شد. این جرز در مرکز جبهه شمالی قرار دارد و ابعادش ۳۰۴ و ۲۹۶ سانتیمتر است. در جبهه جنوبی دو ورودی قرار دارد، عرض این دو ورودی که با شماره‌های ۲ و ۳ شماره‌گذاری شده اند ۱۲۳ و ۱۰۵ سانتی‌متر و ارتفاع کنونی دیوارهای اطراف آنها در حدود ۲ متر است.

ورودی شماره ۲ دارای یک فرورفتگی به ابعاد ۱۵×۹ سانتی‌متر و عمق ۹ سانتی‌متر در کف است. علاوه بر وجود پاشنه در، برآمدگی آستانه نیز در امتداد عرض ورودی

قاچاق (غیر مجاز) تا عمق بیش از ۲ متر و ابعاد تقریبی ۳×۳ متر خاک‌برداری کرده و قسمت‌هایی از یک فضا با چند طاقچه و یک ورودی نیز نمایان شده بود. وجود این چاله غیر مجاز و آشکارسازی برخی از ساختار معماری در تعیین استراتژی کاوش و شناخت اولیه ما از سازه مؤثر بود. لذا به منظور خواناسازی سایر قسمت‌های بنا و پیگردی دیوارها، شیوه کاوش را به صورت ارگانیک در پیش گرفتیم. پس از هموار ساختن سطح مغشوش محوطه قلا گوری و به منظور شبکه‌بندی ۲ ترانشه به ابعاد ۱۰×۱۰ متر با نام‌های I و II در مرکز تپه مشخص کردیم و هر ترانشه را به ۴ کارگاه ۵×۵ متر با حروف کوچک انگلیسی a تا d نامگذاری و تقسیم کردیم. از مجموع ۸ کارگاه مشخص شده برای کاوش دو کارگاه c و d از ترانشه II به دلیل اتمام بودجه کاویده نشدند.

توصیف فضاها و یافته‌ها بر اساس توالی و گسترش حفاری

کاوش از قسمت شمالی و کارگاه Ib با پاک‌سازی و ساماندهی چاله غیر مجاز آغاز شد و به دنبال آن به ترتیب کارگاه‌های Ia، Id، Ic، Iib و Iia کاویده شدند. کاوش در ۶ کارگاه مذکور به کشف ۴ فضای مرتبط به هم منجر شد. این چهار فضا عبارت‌اند از: اتاق رابط یا فضای تقسیم با جهت شرقی-غربی در شمال ترانشه، دو اتاق با پلان مستطیل شکل



تصویر ۵. نمای شمالی بنا بعد از کاوش (عکس از: عطا حسن پور).

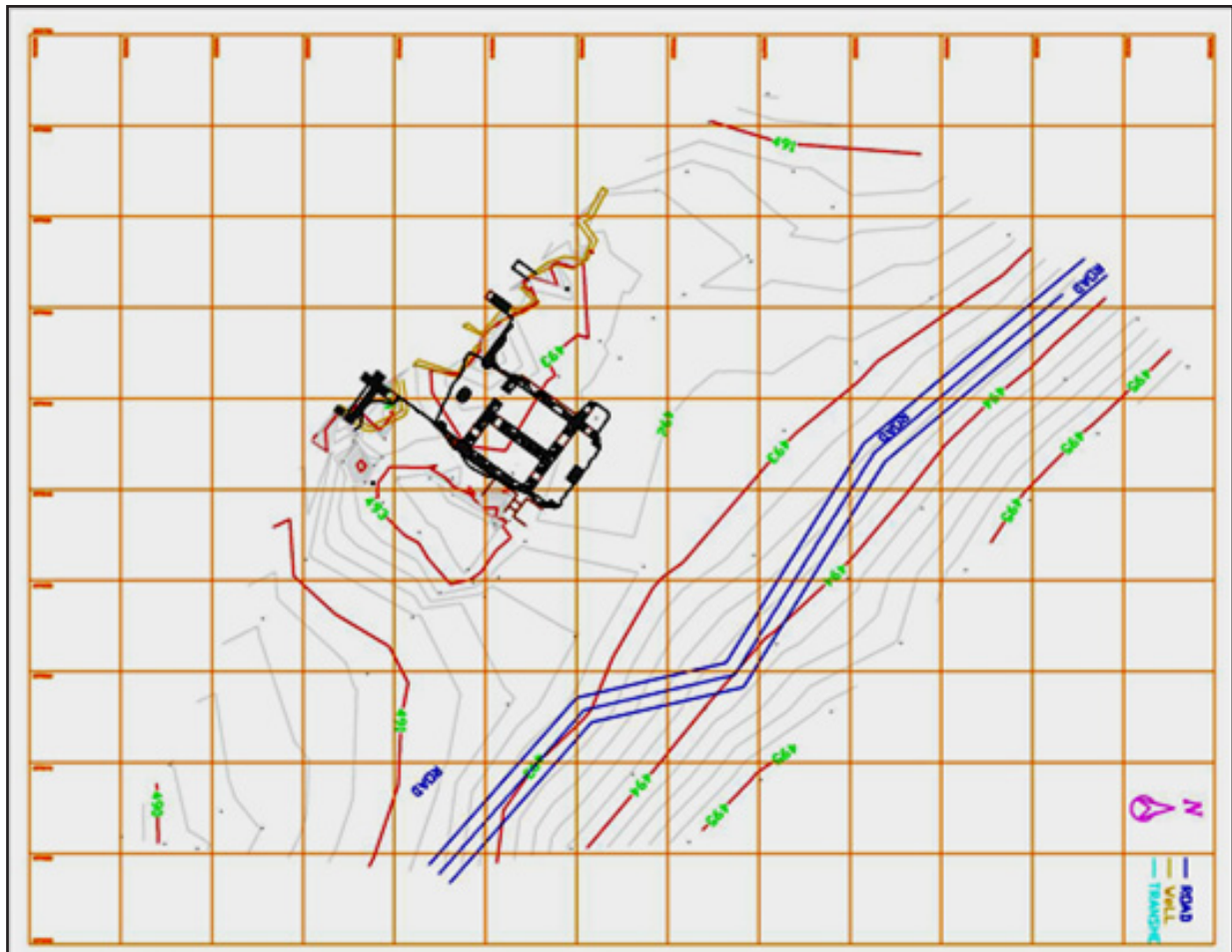


تصویر ۴. نمای جنوبی بنا بعد از کاوش (عکس از: عطا حسن پور).

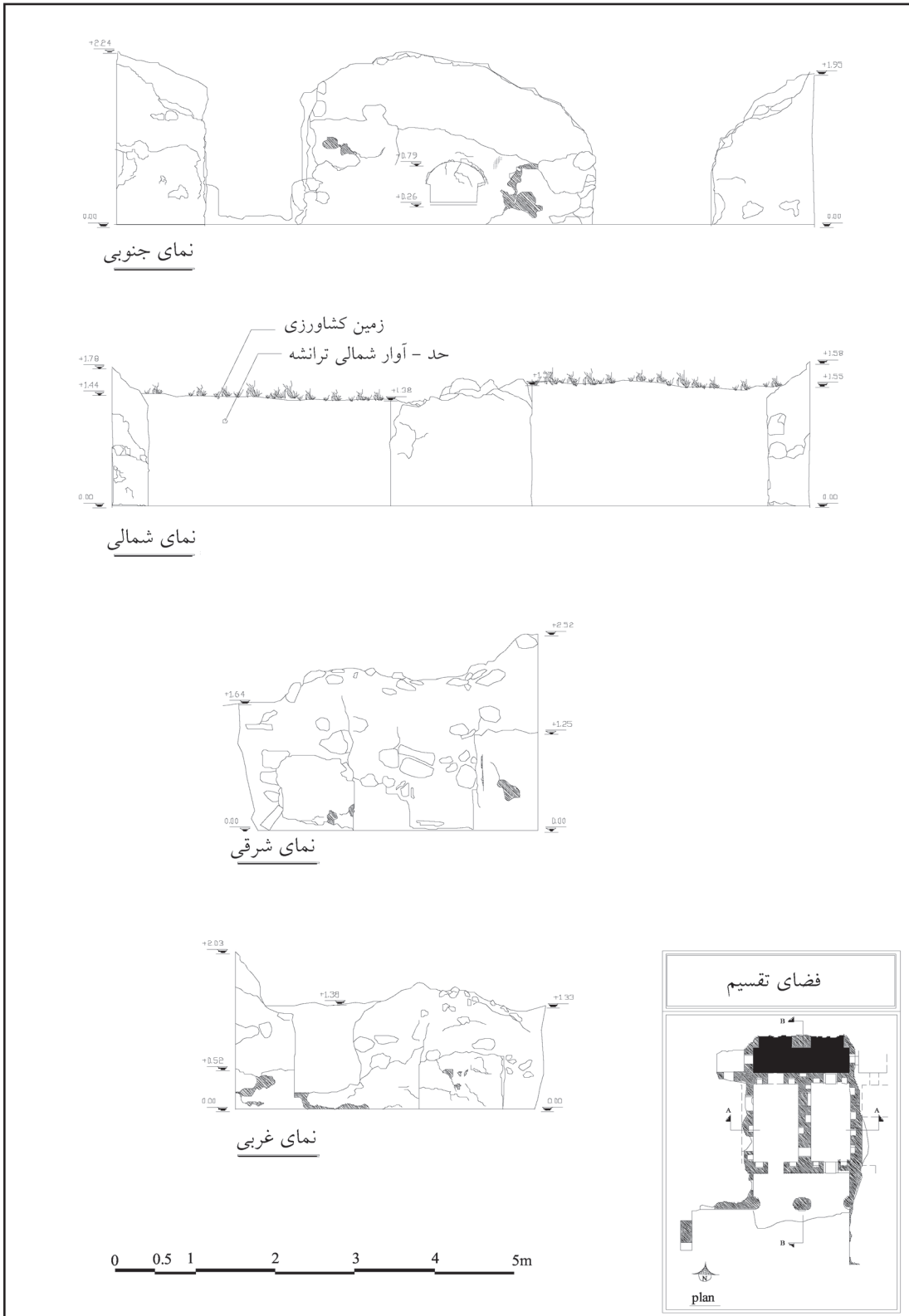
آشکار شد. این ورودی احتمالاً دری یک‌لنگه داشته، که حول حفره مستطیل‌شکل (واقع در سمت غرب ورودی)، ۹۰ درجه به سمت شمال می‌چرخیده و بر جداره غربی مماس می‌شده است. در دو طرف ورودی شماره ۲ قاب‌های گچی با ضخامتی در حدود ۲۰ سانتی‌متر وجود دارند که دقیقاً به موازات دیوار هستند. با کار گذاشتن این قاب‌ها در دو سوی ورودی‌ها، عرض ورودی کمتر و ورودی تعریف‌شده است. در دیوارهای شرقی و غربی این فضا نیز ورودی‌هایی به عرض ۸۳ سانتی‌متر به صورت قرینه وجود دارند که خارج از ترانشه قرار گرفته‌اند و آزادسازی آنها در این فصل از کاوش میسر نشد. در کف ورودی دیوار شرقی (ورودی شماره ۱) نیز محل یک پاشنه با ابعاد آن 12×5 سانتی‌متر مشهود است. با وجود یک پاشنه، در یک‌لنگه بوده و حول حفره ایجادشده به

سمت شرق می‌چرخیده و ارتباط با فضاهای شرقی را میسر می‌ساخته است (نقشه ۳).

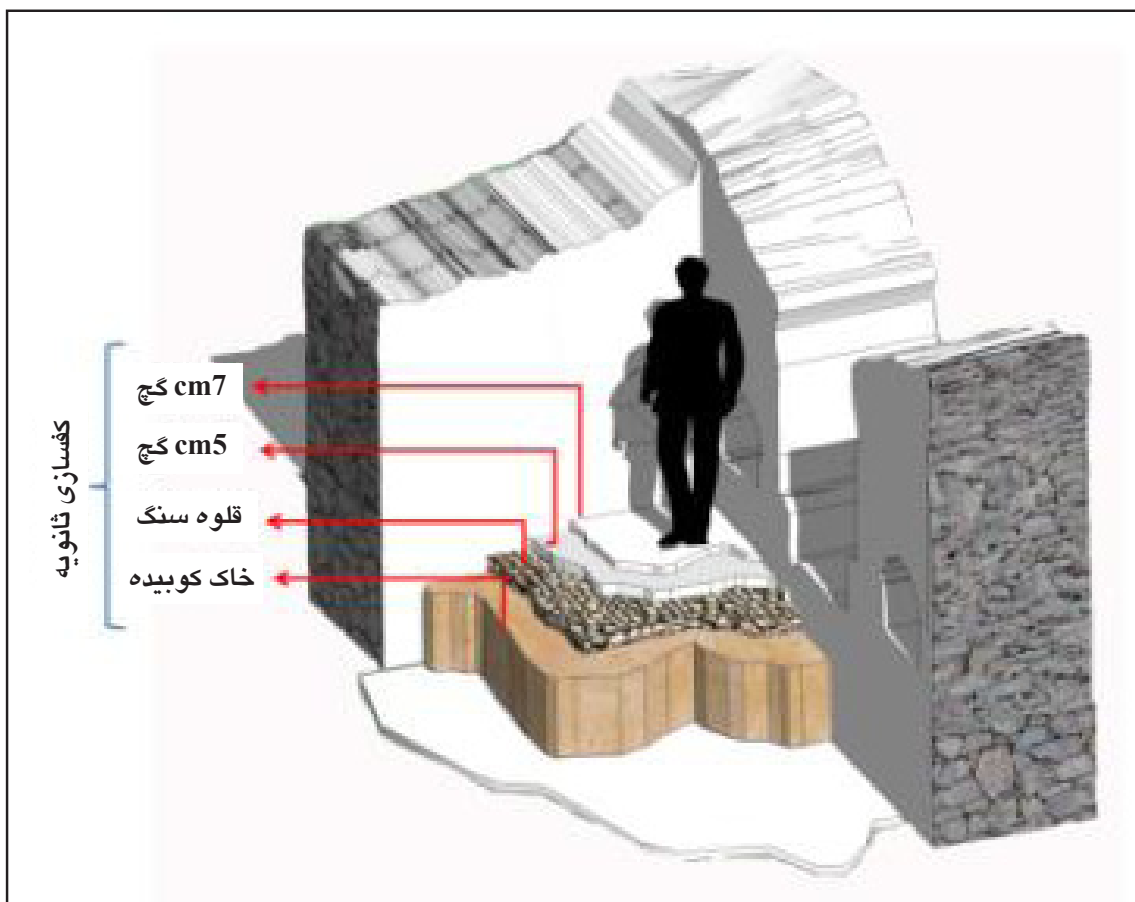
با توجه به تعدد ورودی‌ها و دسترسی به دو فضای مجاور در اضلاع جنوبی، شرقی، و غربی و همچنین فضاهای شمالی که مورد کاوش قرار نگرفته‌اند، احتمالاً این فضا به مثابه یک فضای رابط میان اتاق‌ها عمل می‌کرده است. البته اظهار نظر قطعی منوط به ادامه کاوش در فصول بعدی است. تنها طاقچه فضای مذکور در وسط دیواره جنوبی واقع شده است. عرض این طاقچه ۵۹ سانتی‌متر و ارتفاع آن از کف اتاق تا رأس قوس ۸۰ سانتی‌متر است. عمق طاقچه ۴۷ سانتی‌متر است. تمام سطح درونی و بیرونی آن با گچ اندود شده است. کف و دیوارهای این اتاق با دو لایه گچ اندود شده است.



نقشه ۲. توپوگرافی محوطه قلا گوری و موقعیت کارگاه‌های کاوش‌شده به همراه ساختارهای معماری مکشوفه (ترسیم از: فاطمه دلفان).



نقشه ۳. نماهای مختلف از چهار قسمت فضای رابط (S1) (ترسیم از: فاطمه دلفان).



شکل ۱. نمایش جزئیات و توالی لایه‌های کف‌سازی (فضای S2) (ترسیم از: نگارندگان).

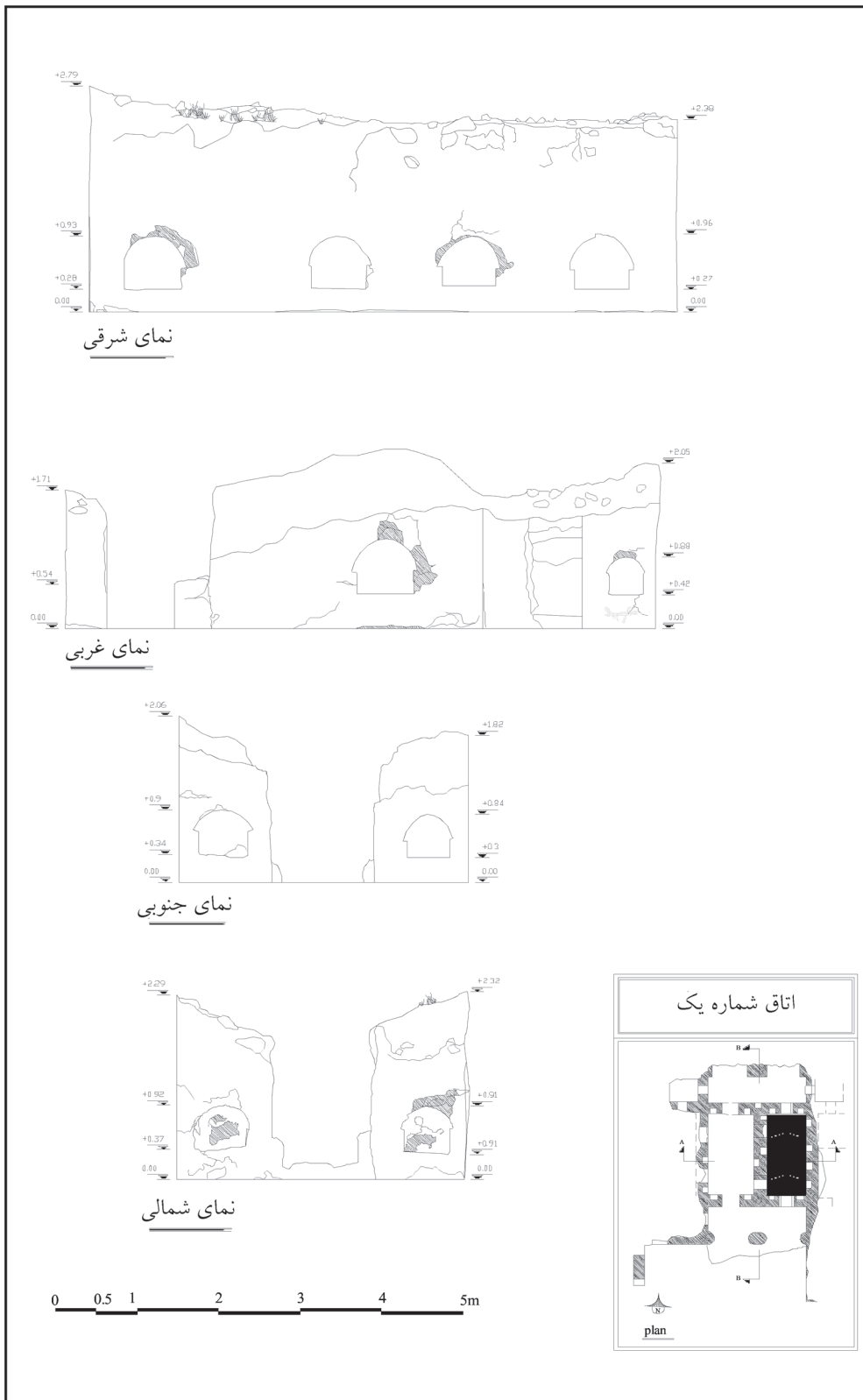
بوده است که یکی از ورودی‌ها مسدود شده است. قاچاقیان قسمت‌هایی از ورودی مسدودشده را حین حفاری از بین برده اند (نقشه ۴).

مصالح به‌کاررفته در جداره این اتاق همانند سایر فضاها، سنگ‌های لاشه‌ن تراشیده و ملات گچ است. روی مصالح اصلی (زبره) دو لایه گچ اندود شده است. کف این اتاق نسبت به نقطه ثابت ۳۰۷ سانتیمتر پایین‌تر است. قسمتی از حجم داخل طاقچه‌های این اتاق با ماسه نرم و شن‌های ریز آبرفتی پر شده اند که نشانه هجوم سیلاب به این مکان است. در کف این اتاق یک قطعه قاب گچی مستطیل‌شکل به ابعاد ۷۳ × ۵۰ و قطر ۸ سانتی‌متر روی یک ظرف سفالی سالم با نقوش کنده موج سقوط کرده و موجب خرد شدن آن شده بود.

فضای اتاق شرقی (S2)

گسترش حفاری در کارگاه Id و قسمتی از کارگاه Iib، در امتداد جنوب چاله غیر مجاز به آشکار شدن فضای مستطیل‌شکل S2 منجر شد. با ادامه کاوش، چاله غیر مجاز دیگری که در کنج شمال غربی فضای مذکور قرار داشت، نمایان شد. با ساماندهی چاله‌های غیر مجاز دریافتیم کف اولیه (اصلی) این فضا حدود نیم متر پایین‌تر از کف فعلی است و احتمالاً در فاز دوم استفاده مجدد از این بنا، کف آن را به دلایل خاصی بالاتر آورده اند (شکل ۱).

در دیواره شرقی این اتاق ۴ طاقچه وجود داشته و فاقد ورودی است، ارتفاع کف طاقچه‌ها از کف بنا کمتر از ۳۰ سانتی‌متر است. دیوار غربی دارای ۲ طاقچه و ۲ ورودی



نقشه ۴. نماهای مختلف از چهار قسمت فضای اتاق شرقی (S۲) (ترسیم از: فاطمه دلفان).

فضای اتاق غربی (S۳)

در پایان کاوش کارگاه‌های Ic و قسمتی از کارگاه IIa، فضایی با پلان مستطیلی به ابعاد $4/11 \times 7/24$ متر نمایان شد. نمای شمالی این فضا دارای یک ورودی به عرض $1/5$ متر است. در کف گچ‌اندود این ورودی، دو حفره مستطیل شکل به ابعاد 17×11 سانتی‌متر و عمق 10 سانتی‌متر قرار دارد که احتمالاً مکان پاشنه در بوده‌اند. در دو سوی این ورودی و در دل دیوار شمالی اتاق، دو طاقچه سوراخ کلیدی تعبیه شده است. جداره جنوبی این اتاق دارای یک ورودی به عرض 148 سانتی‌متر با دو طاقچه در طرفین است که به فضای S۴ مرتبط است. دیوار جنوبی و شمالی از نظر محل قرارگیری ورودی و طاقچه‌ها مشابه و متقارن‌اند. فاصله کف طاقچه‌ها تا کف اتاق، متغیر و بین 30 تا 50 سانتی‌متر است (نقشه ۵). دیوار شرقی دو ورودی و یک طاقچه دارد. همان‌طور که در توصیف دیوار غربی فضای S۱ ذکر شد یکی از ورودی‌ها مسدود است. ورودی دیگر 83 سانتی‌متر عرض دارد و دو اتاق S۱ و S۲ را به هم مرتبط می‌سازد. مابین این دو ورودی نیز طاقچه‌ای قرار دارد. در جداره غربی فضای مذکور دو ورودی به قرینه جبهه شرقی وجود دارد که کاوش نشدند (شکل ۴). کف این اتاق مانند سایر قسمت‌های این بنا گچ‌اندود و متشکل از چند لایه گچ کوبیده شده است.

فضای ستوندار (S۴)

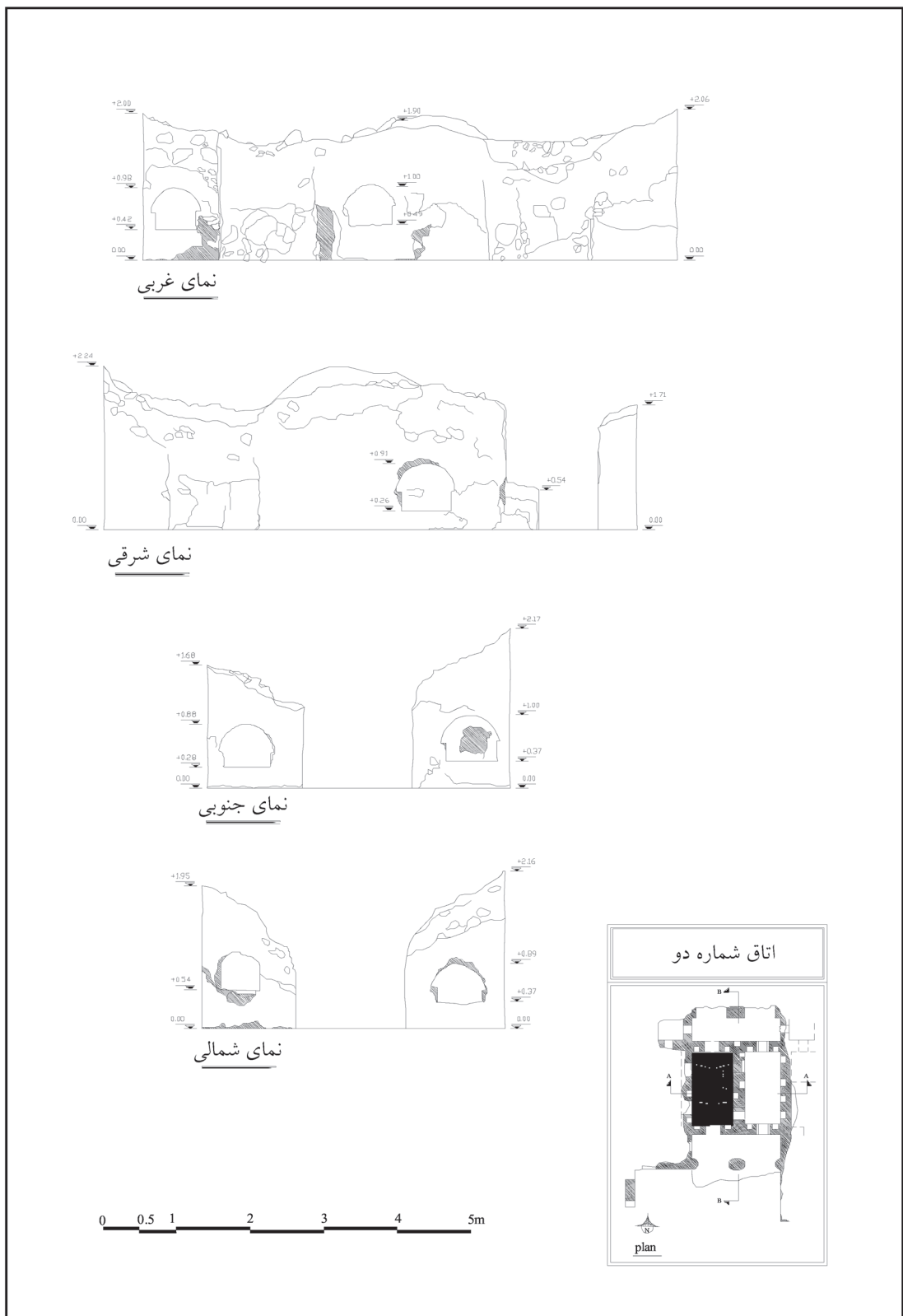
این فضا در نتیجه کاوش کارگاه‌های IIa و IIb به دست آمد. پس از آواربرداری، فضایی با پلانی مستطیل شکل ($8/75 \times 3/50$ متر) با یک ستون بیضوی در وسط و دو نیم‌ستون در دیوارهای شرق و غربی آن نمایان شد. ویژگی بارز این فضا، عناصر سازه‌ای ستون و نیم‌ستون است که در سایر قسمت‌های بنا نمونه آنها مشاهده نشد. این فضا به واسطه یک ورودی به عرض 148 سانتی‌متر در جبهه شمال به اتاق S۱ و در همان جبهه توسط ورودی دیگری به عرض 133 سانتی‌متر به اتاق S۲ مرتبط می‌شود. در کف ورودی به اتاق S۱ محل یک پاشنه وجود دارد (نقشه ۶). در دو ضلع شرقی و غربی این فضا دو ورودی آشکار شد

که به طور کامل خاک‌برداری نشدند. این ورودی‌ها قرینه‌اند. عرض هر دو ورودی 1 متر است. در سمت جنوب هر کدام از این ورودی‌ها، یک نیم‌ستون چسبیده به دیوار قرار دارد و فاصله هر کدام از آنها از دیوار شمالی 232 سانتی‌متر است. ستون مرکزی به فاصله 3 متر از نیم‌ستون‌ها در مرکز فضا قرار گرفته است. مصالح ستون‌ها سنگ لاشه نتراشیده با ملات گچ است و سطوح آنها با گچ صیقل خورده پوشیده شده است (نقشه ۶).

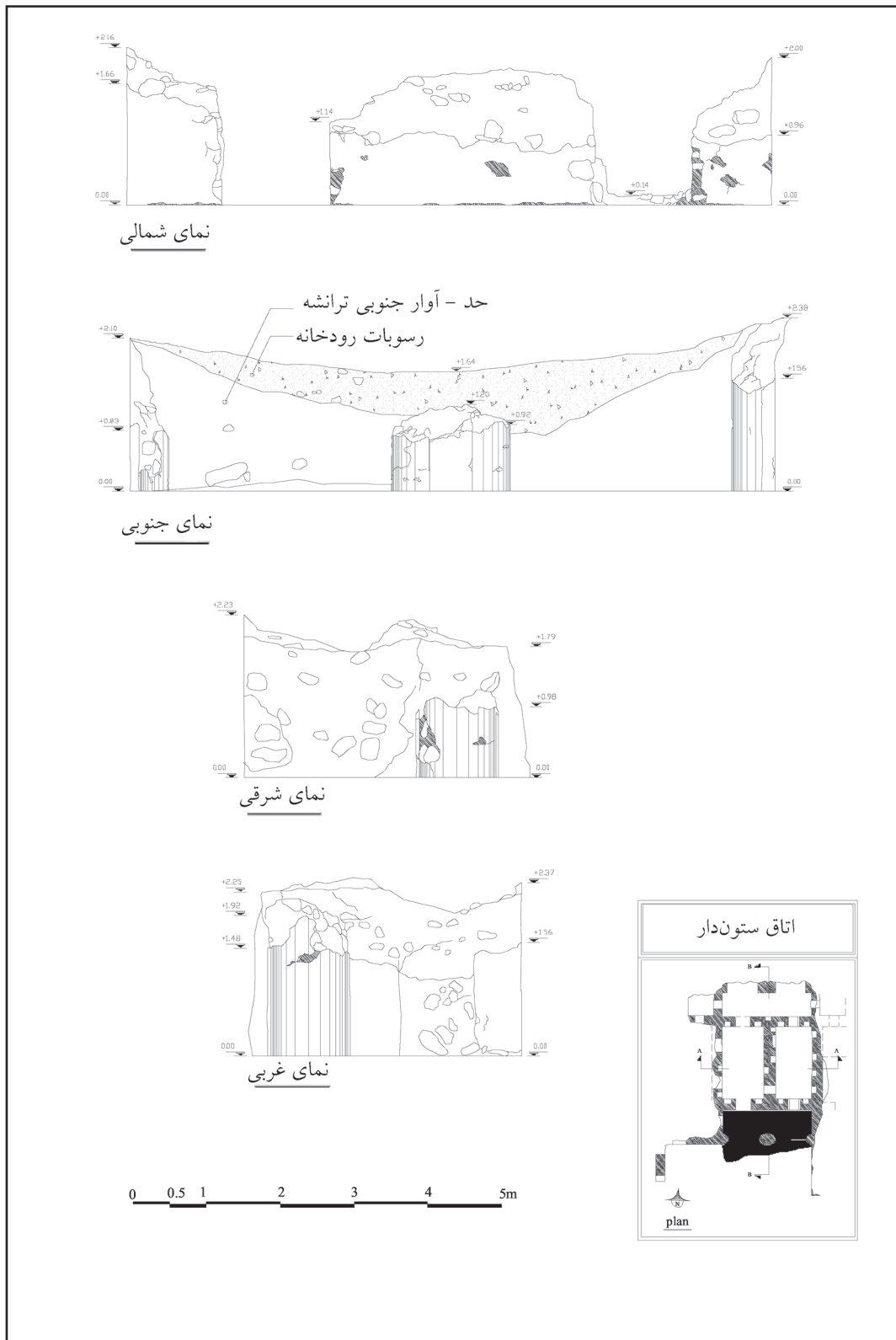
خارج از محدوده کارگاه‌ها در حاشیه رودخانه رد برخی دیوارها باقی مانده بود. پس از پاک‌سازی سطحی برخی از آنها مشخص شد که فاصله دیوار انتهایی موجود در حاشیه رودخانه تا مرکز ستون‌ها $7/54$ متر است و در این فاصله، دیوار یا رد دیوار مشخص نیست. لذا احتمال می‌رود کارگاه II حدود 11 متر عرض (به سمت رودخانه) و 14 متر طول (در امتداد رودخانه) داشته است. اظهار نظر قطعی درباره چگونگی این فضا منوط به ادامه کاوش در ضلع جنوبی آن است.

یافته‌ها: بیشترین و مهم‌ترین یافته‌های معماری، سفال، شیشه و گچبری در این اتاق به دست آمده‌اند. قسمتی از قوس طاق نیز در کف این فضا به دست آمد. در زیر آوار لایه 102 قطعاتی از چند قاب گچبری با نقوش انسانی و حیوانی به دست آمد. یک قاب گچبری با نقش دست انسان، نقشی شبیه به یک تاج، تندیس گچبری گراز و قطعات متعددی با نقوش گیاهی، هندسی و ترکیبی از جمله این یافته‌ها بودند (تصویر ۶). (برای آگاهی بیشتر در این زمینه نک: حسن پور، $1393: 437$).

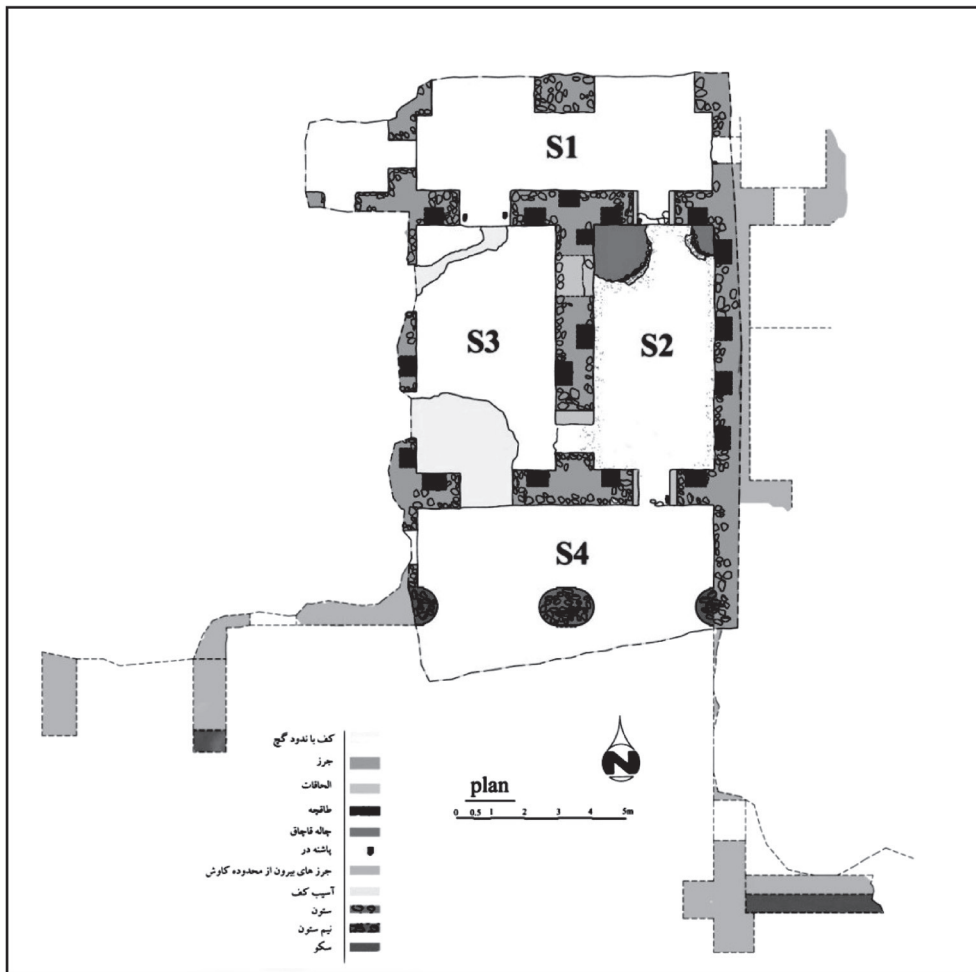
بررسی روند نهشته‌گذاری لایه‌ها و علت تخریب بنا
رودخانه سیمره پس از خارج شدن از دره چیااسبز (700 متری غرب محوطه قلا گوری) (تصویر شماره ۳) مسیر خود را در طول زمان تغییر داده است. این تغییر مسیر ناشی از رسوب‌گذاری رودخانه بوده است، به این صورت که رسوبات توسط طغیان‌های فصلی در خروجی دره انباشته شده و به عنوان یک مانع طبیعی با بالا آمدن بستر رودخانه،



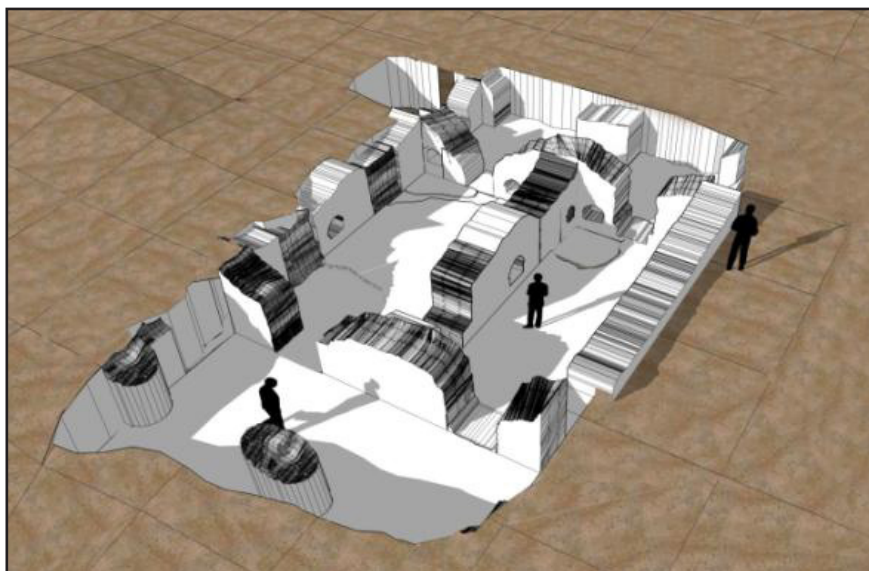
نقشه ۵. نماهای مختلف از چهار قسمت فضای اتاق غربی (S۳) (ترسیم از: فاطمه دلفان).



نقشه ۶. نماهای مختلف از چهار قسمت فضای ستون‌دار (S۴) (ترسیم از: فاطمه دلفان).



نقشه ۷. پلان بنای قلا گوری در پایان کاوش فصل نخست (ترسیم از : فاطمه دلفان).



شکل ۲. ترسیم سه بعدی دید پرنده از محدوده کاوش (ترسیم از: الهام بیرانوند).

مسیر جریان آب را مسدود کرده است. این امر باعث شده تا رودخانه در مناطقی که بافت زمین امکان آن را داده، مسیر خود را تغییر دهد و پادگانه‌ها و پیچ‌های متعددی را در طول زمان به وجود آورد. در نتیجه این رسوب‌گذاری لاشه‌سنگ‌های بزرگی در دهانه خروجی دره و در قسمت جنوب شرقی محوطه چیا سبز شرقی انباشت شده است. که این امر ناشی از طغیان‌هایی است که به کندن و در نتیجه ریزش صخره کناری رودخانه منجر شده است؛ به طوری که سنگ‌ها در جایی که امکان تغییر مسیر بوده انباشت شده‌اند. طی گمانه‌زنی و حفاری‌های انجام‌شده توسط شرکت توسعه سد، [مشخص شد] نوعی رسوبات دریاچه‌ای نیز در بین این رسوبات وجود دارد که حاکی از وجود دریاچه‌ای قدیمی در منطقه بوده و به نظر می‌رسد در اثر زمین‌لغزه سیمیره به طور طبیعی به وجود آمده است (طرح سرشاخه‌های کرخه، ۱۳۷۸: ۲۵). مهم‌ترین مطالعات مرتبط با زمین‌لغزه سیمیره شامل مطالعات هاریسون و فالکون (Harrison & Falcon, 1938)، مطالعات ابرلند (ابرلندر، ۱۳۷۹)، مطالعات حاصل از گمانه‌زنی و حفاری‌های رسوب‌شناسی، و طرح سد و نیروگاه سیمیره توسط مهندس مالکی و مهندس بحرالعلوم در فصلنامه مهتاب قدس است (مالکی و بحرالعلوم، ۱۳۷۸).

در روند نهشته‌گذاری لایه‌های محوطه قلا گوری با سه لایه مواجه هستیم. نخستین لایه، شامل خاک سطحی به رنگ قهوه‌ای مایل به سیاه بود. رنگ تیره آن بیشتر متأثر از سوختن ساقه‌های خشک محصولات کشاورزی بعد از برداشت آنهاست. این لایه سطحی که تقریباً ۲۵ سانتیمتر ضخامت داشت و اغلب حاصل آبرفت‌های کوهستان دربند کبود در شمال اثر بود، با شماره لایه ۱۰۱ مشخص شد. یافته‌هایی که از کاوش این لایه به دست آمد شامل قطعات مختلف سفال بود. دومین لایه به شماره ۱۰۲ شامل آوار حاصل از ریزش سقف و قسمت‌هایی از دیوارهای از جنس سنگ، گچ و خاک بنا بود که به مرور زمان و در اثر عوامل جوی، رطوبت و فشارهای مختلف، به حالت فشرده و متراکم در آمده بود. این لایه ضخامتی بین ۷۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر

داشت. کاوش در لایه ۱۰۲ و آواربرداری به کندی صورت گرفت و گاهی اوقات جهت برداشتن برخی از آوارها از اهرم استفاده می‌شد. در لایه لای این آوارها قطعات مختلفی از انواع گچبری به دست آمد که مربوط به تزیینات معماری قسمت‌های مختلف بنا در گذشته بوده است. لایه سوم (شماره ۱۰۳) شامل مقدار قابل توجهی شن و ماسه بادی و برخی قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای بود که تقریباً در تمام فضاهای کاوش‌شده بنا مشاهده شد. لایه مذکور که حاصل رسوبات رودخانه‌ای بود، حدود ۳۵ سانتی‌متر در این قسمت ضخامت داشت و احتمالاً در اثر طغیان‌های ویرانگر رودخانه سیمیره بر جای مانده‌اند که احتمال می‌رود یکی از عوامل تخریب این بنا بوده باشد. اندازه رسوبات در این لایه به حدی بود که طاقچه‌های ایجادشده در دل دیوارها، به وسیله ماسه تا قسمت پاکار قوس پر شده بودند. نهشته‌های لایه ۱۰۳ روی کف گچی بنا در لایه ۱۰۴ قرار داشت. این لایه دو مرحله کف‌سازی را در بنا نشان می‌دهد که کف اولیه حدود ۶۰ سانتی‌متر پایین‌تر از کف ثانویه قرار داشت. با نگهداری تمام آوارها تا پایان کاوش و مطالعه آنها از جمله مطالعه نحوه ریزش طاق‌ها، واژگونی قاب‌های گچبری، قالب‌های گچی کنار درگاه‌ها، ترتیب نهشته‌ها و رسوبات کف بنا، احتمال می‌رود بنای قلا گوری بر اثر وقوع یکی از سیلاب‌های ویرانگر رودخانه سیمیره از سمت ضلع جنوبی تخریب شده باشد، زیرا جهت پرتاب یا واژگونی تمام عناصر معماری و مواد فرهنگی مکشوفه نشان از این دارد که نیرویی از جبهه جنوب به این بنا وارد شده است. البته مطالعه رسوبات و لایه‌های زمین‌شناسی که توسط شرکت مهتاب قدس انجام شده مؤید این مطلب است که منطقه سیمیره طی قرون گذشته طغیان‌های ویرانگری به خود دیده است. هر چند که منابع تاریخی از زلزله مهیبی در سال ۲۵۱ ش / ۲۵۸ ق / ۸۷۲ م با بزرگای Ms ۶/۸ در منطقه سیمیره گزارش می‌دهند (وب سایت پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی) اما شواهد تخریب توسط زلزله در این بنا مشاهده نمی‌شود.

تاریخ‌گذاری بنا

با توجه به یافته‌های اندک باستان‌شناسی در این فصل کوتاه، اعم از پلاک گچی با نقش نیم‌تنه انسان که لباس‌های تشریفاتی مرسوم دوره ساسانی را بر تن دارد، نقش گراز،^۵ سفال‌های شاخص دوره ساسانی و عناصر معماری آن دوره، احتمال می‌رود این بنا در اواخر دوره ساسانی احداث شده

باشد (تصویر ۶). البته شواهدی همچون پر کردن کف بنا و وجود ۲ لایه کف گچی می‌تواند دلیلی بر استفاده مجدد از این بنا در فازها یا دوره‌های بعدی باشد. البته مشخص کردن دقیق دوره‌های سکونت در این بنا نیازمند انجام کاوش‌های مجدد و آزمایش‌های مختلف است.



تصویر ۶. نمونه‌ای از گچبری‌های به‌دست‌آمده در فصل نخست کاوش (عکس از: عطا حسن پور).

تحلیل

با توجه به توصیفات ارائه شده، سعی خواهد شد با تحلیل عناصر معماری مکشوفه و ویژگی‌های آنان به درک صحیحی از چگونگی ساختار بنا دست یابیم.

۱. کف‌سازی: کف‌سازی فضاهای مکشوفه شامل خاک کوبیده، یک لایه قلوه‌سنگ و چند لایه گچ است. از آنجا که توالی و روی هم قرار گرفتن لایه‌های خاک و گچ، بستر محکم و مناسبی جهت کف‌سازی نیست و پس از مدتی به علت عدم چسبندگی مناسب این دو لایه، کف از هم گسیخته می‌شود، لذا سازندگان بنا از قلوه‌سنگ به عنوان عنصر واسطی جهت چسبندگی بهتر بین این دو لایه بهره جسته اند و با این عمل به ساختاری با انسجام نسبی در کف‌سازی دست یافته اند. این کف‌سازی در تمامی فضاهای مکشوفه مشهود است (شکل ۱).

ساختار مذکور مربوط به کف‌سازی آخرین استقرار است. هرگونه توصیف و تحلیل در باره شیوه کف‌سازی اولیه منوط به ادامه کاوش و حفاری در سطوح وسیع‌تر است.

۲. دیوار: این عنصر در بنای بررسی‌شده علاوه بر تفکیک فضایی، در تحکیم، تعریف و ترکیب فضاها از طریق حضور درگاهها نقش مؤثری ایفا کرده و این درگاهها در جداره‌های فضای بسته موجبات انبساط فضایی و نوری را میسر می‌ساخته است.

۳. طاقچه: حضور طاقچه‌ها در بدنه اتاق‌ها، جداره‌ها را از یکنواختی خارج کرده و از این طریق در شکل‌دهی و غنای فضایی نقش مهمی ایفا می‌کنند. فضاهای این بنا فاقد پنجره و نور کافی بوده، لذا وجود چنین طاقچه‌هایی برای گذاشتن وسایل روشنایی همچون شمع‌دان و پیه‌سوز الزامی بوده است. با توجه به توصیفات بخش اول در خصوص تعدد طاقچه‌ها در این بنا، می‌توان اظهار کرد فضاها، کاربری و عملکردهای متفاوتی داشته اند.

۴. پوشش سقف: بخش‌های بالایی بنا تخریب شده، لذا تحلیل‌هایی در مورد پوشش سقف بر اساس آوار سقف و مقایسه با بناهای مشابه و نوع پوشش سقف در بازه زمانی ساخت اثر (دوره ساسانی) صورت گرفته است. در کف

فضاهای این بنا توده‌های متراکمی از پوشش بنا سقوط کرده و با توجه به فرم بخش‌هایی از این توده‌ها محرز شد که سقف فضاهای این بنا همچون سایر بناهای هم‌دوره بنای مذکور از نوع سغ (طاقی) بوده است.

۵. نورگیری: با توجه به توصیفات به‌عمل‌آمده از وضع موجود، این بنا فاقد پنجره در جداره‌ها بوده، احتمالاً علت این امر موقعیت جغرافیایی و اقلیمی بنای مذکور بوده است. لذا با توجه به ضرورت نورگیری طبیعی در طول روز و بررسی وضعیت نورگیری بناهای مشابه و هم‌دوره با بنای مذکور، نورگیری به طور معمول از طریق سقف صورت می‌گرفته و با تعبیه روزنی در پوشش طاقی بنا، ورود نور به فضای تاریک داخلی میسر می‌شده است.

مقایسه تطبیقی

در این بخش محوطه قلا گوری با خانه اربابی دره‌شهر و سایت ساسانی برزقاوله مقایسه شده است. گزینه‌های فوق به دلیل:

- مجاورت و نزدیکی محدوده جغرافیایی
- تقارن بازه زمانی ساخت
- تشابه ساختاری

انتخاب شده اند. در مقایسات به‌عمل‌آمده در بخش ساختاری بناها، فاکتورهایی نظیر تشابه پلانی، مصالح، کف‌سازی، پوشش، نورگیری، ورودی‌ها، ابعاد جزرها، طاقچه‌ها، تزیینات، سکوسازی، و ... که تشابه زیادی با عناصر ذکر شده در بنای قلا گوری دارند، مورد بررسی قرار گرفته است. قبل از مقایسه تطبیقی به معرفی اجمالی خانه اربابی دره‌شهر و سایت برزقاوله می‌پردازیم:

الف. خانه اربابی دره‌شهر:

این بنا در شهر تاریخی دره‌شهر واقع در استان ایلام قرار دارد. طی ۹ فصل کاوش‌های به‌عمل‌آمده در این منطقه باستانی بناهای متعددی از جمله بنایی معروف به خانه اربابی کشف و آوار برداری شد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵). این بنا از نظر ساختاری تشابه زیادی با بنای قلا گوری دارد.

ب. سایت برزقاوله:

نزدیک‌ترین محوطه باستانی به بنای قلاگوری، محوطه ایست به نام برزقاوله در ۳۰۰ متری شرق آن که حدود ۱۲ هکتار وسعت دارد (لشگری و عبدی، ۱۳۸۹). کاوش این محوطه با کاوش بنای قلاگوری همزمان بود و یافته‌های معماری، گچبری و سفالین این دو محوطه شباهت بسیار به هم دارند.

۱. پلان

پیش از بررسی پلان‌های بناهای مذکور ذکر این نکته الزامی است که هر سه بنا به علت محدودیت‌هایی به صورت کامل کاوش نشده‌اند (البته وسعت محدوده کاوش در بنای خانه اربابی چندین برابر دو بنای دیگر است). لذا آنچه در این بخش مطرح شده راجع به کلیت پلان این بناها در محدوده‌های کاوش شده است.

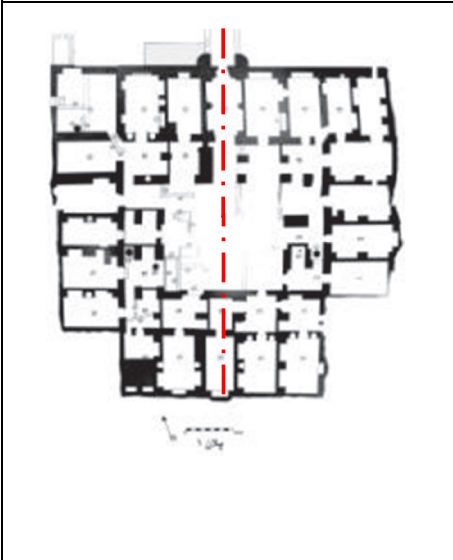
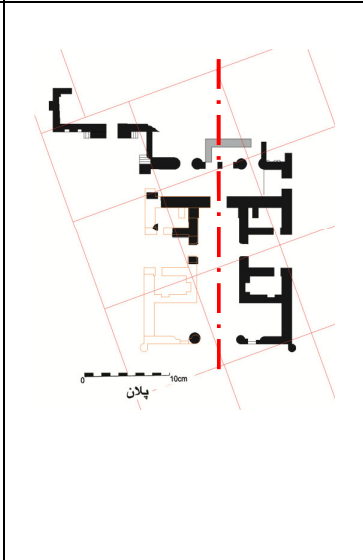
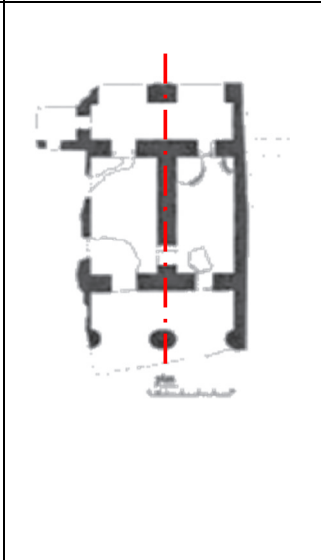
در دوره ساسانی دو ساختمان را نمی‌توان یافت که در طرح کاملاً همانند باشند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۹۵). در بناهای بررسی شده جدول فوق یکی از عوامل مشترک وجود تقارن موضعی محوری در کلیت پلان این بناهاست. به عبارتی این بناها در بخش و موضعی دارای تقارن محوری هستند و

هر چه از محور فاصله می‌گیریم، میزان شباهت در دو سوی محور کاهش می‌یابد (آوار سطحی اطراف محدوده کاوش و پیگردی برخی جزرها در دو سوی محور اصلی مطلب فوق را تصدیق می‌کند). ستون‌ها و نیم‌ستون‌ها در هر سه بنا در جناحین این محور واقع شده‌اند. در اغلب ساختمان‌های دوره ساسانی از اصل جفت و پادجفت یا به گفته دیگر، قرینگی و ناقرینگی بهره‌گیری شده است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۹۵). بررسی کامل تشابهات پلانی منوط به گسترش کاوش در بنای قلاگوری و برزقاوله است (جدول ۱).




۲. ورودی

ابعاد ورودی فضاهای هر سه بنا به فراخور ابعاد و مساحت فضاها متفاوت است. عرض ورودی‌ها در بنای قلاگوری بین ۷۰ - ۱۵۵ سانتی‌متر است. در دو بنای قلاگوری و خانه اربابی در کف برخی ورودی‌ها حفره‌هایی برای قرارگیری درها مشهود است. یکی دیگر از موارد مشابه در سه بنای فوق توالی ورودی‌ها و قرار گرفتن در یک امتداد است که باعث بسط چشم‌انداز و بسط نور در فضاها می‌شده است. در هر سه بنا انسداد ورودی‌ها و بعضاً تنگ کردن ورودی‌ها دیده

جدول ۱. پلان بناها.

| خانه اربابی (دره شهر) | سایت برزقاوله | بنای قلاگوری |
|---|--|---|
|  |  |  |

جدول ۲. ورودی.

| خانه اربابی (دره شهر) | سایت برزقاوله | بنای قلا گوری |
|---|---|---|
|  |  |  |

می شود (جدول ۲).

۴. مصالح

شاخص ترین ساخت مایه مورد استفاده در دوره ساسانی، سنگ لاشه با ملات است که در بسیاری از بناهای شاخص این دوره همانند کاخ فیروزآباد، برج فیروزآباد، قلعه دختر، و... به کار گرفته شده است (Huff, 1987:329).

در برخی بناهای ساسانی گاه ترکیب سنگ تراش با سنگ لاشه را در دیوارسازی می بینیم. به این صورت که قسمت های میانی دیوارها با سنگ های نامنظم لاشه و ملات پر شده است و در نماها، سنگ ها به صورت منظم و تراش خورده کار شده است (بزرگمهری، ۱۳۸۱: ۴۱). در برخی بناهای دیگر از اندود گچ در نماهای دیوارها بهره برده اند. مصالح به کاررفته در شاکله اصلی بناهای قلا گوری و خانه اربابی سنگ لاشه و ملات گچ نیم کوب نیمپخت است. در حالی که محوطه برزقاوله علاوه بر مصالح مذکور از خشت استفاده شده است (جدول ۳). در هر سه بنای مزبور جهت تسطیح سطوح و

۳. کف سازی

در بناهای قلاگوری و خانه اربابی کف سازی روی خاک بکر صورت گرفته و شامل یک ردیف قلوه سنگ و چند لایه گچ است (شکل ۱). لایه نهایی گچ به مرور زمان و بر اثر استفاده مداوم، ساییده شده است. به همین سبب اندوهای کف تجدید شده و به صورت چند لایه روی هم قرار گرفته اند. در کفها خطوط شمشه گیری مشهود است (لک پور، ۱۳۸۹: ۳۵). راجع به نحوه کف سازی سایت برزقاوله اطلاعات چندانی در دست نیست اما آنچه از تصاویر می توان برداشت کرد این است که لایه نهایی کف سازی اکثر فضاهای این بنا همچون دو بنای فوق اندود گچی است.

جدول ۳. مصالح.

| خانه اربابی (دره شهر) | سایت برزقاوله | بنای قلا گوری |
|---|---|---|
|  |  |  |

جدول ۴. عناصر باربر.

| خانهٔ اربابی (دره شهر) | سایت برزقاوله | بنای قلا گوری | |
|---|---|---|------|
|  |  |  | ک |
|  |  |  | ستون |

برزقاوله به علت وسعت تخریب، پوشش سقف از بین رفته است و اطلاعات در این زمینه محدود به آوار سقف است. در خانهٔ اربابی نیز پوشش سقف اغلب فضاها جز در موارد نادر تخریب شده است. آثار سقف‌ها نشان می‌دهد که به صورت طاق گهواره‌ای با قوسی بیضی شکل بوده و با سنگ لاشه تراشیده و ملات گچ نیم‌کوب نیم‌پخت اجرا شده‌اند. پاتاق هر قوس حدود ۲-۳ سانتی‌متر به صورت پله‌ای از سطح دیوارهای حمال جانبی جلو زده و در محل پاکار قوس در حد فاصل دیوار و خیز طاق به صورت نواری به عرض ۷-۱۰ سانتی‌متر ابزاربندی شده‌اند (جدول ۵).

۷. طاقچه

در دو بنای قلا گوری و خانهٔ اربابی طاقچه‌هایی با ابعاد و اندازه‌های مختلف در جداره‌ها، گاه منفرد و گاه به صورت قرینه جای گرفته‌اند. در خانهٔ اربابی دو نوع طاقچه در جداره‌ها تعبیه شده است، در نوع اول معمولاً به صورت فضایی مکعب‌شکل ساخته شده و در مواردی بدنه‌ها قوس‌دار

نمای دیوارها از اندود گچ استفاده شده است.

۵. عناصر باربر

در این بناها بار سقف از طریق دیوارهای باربر، ستون و نیم‌ستون به زمین منتقل می‌شود. نیم‌ستون‌ها که در انتها و امتداد برخی دیوارها مشاهده می‌شود علاوه بر جنبه‌های بصری باعث تعریف ورودی‌های برخی فضاها شده است. در محوطهٔ برزقاوله علاوه بر ستون‌هایی مدور، ستون‌هایی با مقطع مربع نیز مشهود است. اختلاف مصالح در جرزه‌ها (در بخش تحتانی دیوارها از سنگ لاشه و گچ و در بخش فوقانی از خشت استفاده شده) و همچنین بهره‌گیری از ستون در وسط طاقی که دهانهٔ وسیعی ندارد، احتمالاً حاکی از مرمت‌های دوره‌ها و یا فازهای بعدی استقرار است (جدول ۴).

۶. پوشش سقف

پوشش سقف بناهای مورد بررسی همچون سایر بناهای ساسانی از نوع طاق است. متأسفانه در بناهای قلا گوری و

جدول ۵. پوشش سقف.

| خانه اربابی (دره شهر) | سایت برزقاوله | بنای قلا گوری |
|---|---|---|
|  |  |  |

بنای قلا گوری و برزقاوله باز شو و پنجره‌ای که ورود نور را به فضاهای داخلی میسر سازد، یافت نشد. البته باید اذعان داشت که فضاهای کاوش شده به صورت مستقیم با فضای باز ارتباط نداشته اند که با تعبیه بازشو بتوان نور را به فضای داخلی آنها هدایت کرد، بنا بر این احتمال می‌رود در این بناها همچون خانه اربابی از سقف نورگیری شده باشد.

هستند. در نوع دوم در بخش فوقانی از چفت مازهدار استفاده شده است. در حالی که در بنای قلا گوری تنها یک نوع طاقچه آن هم با چفت به شکل کلید استفاده شده است. در سایت برزقاوله به علت وسعت تخریب در ارتفاع، اطلاعاتی دال بر وجود یا عدم وجود طاقچه در دست نیست (جدول ۶).

۸. نورگیری




نورگیری خانه اربابی به صورت غیر مستقیم بوده و نور مورد نیاز از توالی هماهنگ دهانه‌های باز ورودی‌ها تأمین می‌شده است. همچنین در مرکز طاق‌های پا برجا، هواکشی به صورت استوانه‌ای به قطر ۲۵-۳۰ سانتی‌متر از گچ تعبیه شده است. از این طریق هوای داخل اتاق تهویه و تا حدی روشنایی به داخل فضا وارد می‌شده است. در جداره‌های وضع موجود دو

۹. سکو

در هر سه بنا سکوهایی در بخش‌های مختلف به چشم می‌خورد. در خانه اربابی سکوها از نظر ابعاد و شکل متغیر اند و عموماً ساختار اصلی بدنه اصلی سکوها از سنگ لاشه و ملات گچ است. تمامی دیوارهای سکوها با لایه‌ای از اندود گچ پوشیده شده اند. در بنای قلا گوری، خارج از محدوده

جدول ۶. طاقچه.

| خانه اربابی (دره شهر) | سایت برزقاوله | بنای قلا گوری |
|---|--|---|
|  | به علت وسعت تخریب در ارتفاع طاقچه‌ای مشاهده نشد. |  |

| خانه اربابی (دره شهر) | سایت برزقاوله | بنای قلا گوری |
|---|---|---|
|  |  |  |

کاوش، سکوهایی با ساختاری مشابه سکوهای خانه اربابی وجود دارد. سکوی مکشوفه در بنای برزقاوله و خانه اربابی به مراتب عریض تر از سکوهای کاوش شده این فصل بنای قلاگوری است (جدول ۷).

نتیجه گیری

با توجه به توصیف، تحلیل و مقایسات به عمل آمده با ابنیه مشابه می توان ضمن پاسخ به برخی از سؤالات مطرح شده در بخش های قبلی به نتایج ذیل دست یافت:

- تمامی بخش های این بنا با استفاده از مصالح بومی و ایدری (مصالحی که از محل برداشت می شود) ساخته شده است. مصالح به کاررفته در زبره بنا، سنگ لاشه نتراشیده و ملات گچ است. برای تسطیح سطح ناهموار (دیواره های ساخته شده از سنگ لاشه) و ایجاد نمای مناسب و یکدست، تمامی سطوح اندود گچ شده اند. با توجه به وجود معدن گچی که در ۲۰۰ متری شرق محوطه قرار دارد، و فاصله اندک آن با محوطه، احتمالاً از گچ این معدن در ساخت بنا استفاده شده است.
- با مشاهده دو تراز متفاوت در کف و تعمیم آن به سایر فضاها می توان اذعان داشت، در دو مقطع زمانی این بنا مورد استفاده قرار گرفته است و آخرین ساکنان این بنا با پر کردن سطح کف قبلی، کف جدید را ایجاد کرده و با این کار کف بنا بالا آمده و در نتیجه ارتفاع فضا کم تر شده

است.

- یکی از فاکتورهای مهم اظهار نظر، درباره ویژگی های فضا، وجود و تعدد درگاه ها و طاقچه هاست؛ بدین معنی که هرگاه تعداد درگاه ها بیش تر می شود فضا جنبه عمومی تری می یابد و بالعکس. به عنوان مثال در بنای مذکور، اتاق S۲ کمترین تعداد ورودی و خروجی را داراست اما در عوض بیش ترین تعداد طاقچه را در میان فضاهای کشف شده به خود اختصاص داده است. در این اتاق ساکنان آن با محدود کردن ورودی ها و همچنین تنگ کردن در ورود و خروج، وجهه خصوصی تر و کنترل شده تری به این اتاق داده اند (جدول ۸).
- در دوره ساسانی برای به دست آوردن فضاهای یکپارچه، وسیع و مسقف بدون مانع بصری، یا از طاق های عظیم با دهانه و افراز زیاد (طاق کسری) یا گنبد (کاخ بیشاپور، کاخ فیروز آباد، قصر شیرین) و یا ستون بهره می جستند (ابعاد ستون ها در قیاس با دیوارهای قطور و ممتد بسیار ناچیز بوده و مانند دیوار مانع بسط چشم انداز نمی شود). در صورت استفاده از ستون، فضا را به ابعاد متناسبی تقسیم کرده و با دهانه هایی با ابعاد معقول آن را می پوشاندند (فضاهای ستون دار بناهایی همچون: عمارت خسرو، کاخ سروسستان، کاخ ۲ کیش در میانرودان، و...). در این حالت معمار نه دغدغه مهار کردن نیروی رانش عظیم حاصله از ابعاد زیاد طاق را دارد و نه محدودیت فضایی گنبد را

جدول ۸. تعدد عناصر معماری در فضاهای کاوش شده (مأخذ: نگارندگان).

| الحاقت | تزئینات شاخص | ورودی | | تعداد طاقچه‌ها | عناصر باربر | فضاهای کاوش شده |
|-----------------------------|--|------------------|-------|----------------|-------------|-----------------|
| | | لنگه | تعداد | | | |
| تنگ کردن یک ورودی | گچبری با نقوش هندسی و گیاهی | یک‌لنگه و دولنگه | ۴ | ۱ | جرز | S1 |
| انسداد در تنگ کردن سه ورودی | گچبری با نقوش هندسی و گیاهی | یک‌لنگه | ۴ | ۱۰ | جرز | S2 |
| انسداد در تنگ کردن یک ورودی | گچبری با نقوش هندسی و گیاهی | یک‌لنگه و دولنگه | ۶ | ۷ | جرز | S3 |
| تنگ کردن یک ورودی | گچبری با نقش نیم‌تنه انسانی + سر و گردن گراز + نقشی شبیه تاج + قسمتی از پای حیوان (گراز)، نقوش هندسی و گیاهی | یک‌لنگه | ۴ | ۰ | جرز و ستون | S4 |

و کرمانشاه و تیسفون در غرب، و مناطق ماسبدان^۷ و شاپورخواست در شرق و همچنین شوش و خوزستان در جنوب نقش بسزایی در تاریخ دوره ساسانی ایفا کرده است. شواهد و قراین به‌دست‌آمده از کاوش‌های اخیر نشان می‌دهد که منطقه سیمره یک حاکم‌نشین محلی یا یک قدرت منطقه‌ای کوچک تحت لوای حکومت ساسانیان در منطقه بوده که علاوه بر کنترل جاده ارتباطی به عنوان گذرگاهی استراتژیک از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. محوطه برزقاوله با وسعتی بیش از ۱۲ هکتار بزرگ‌ترین محوطه شناخته‌شده در منطقه است و احتمالاً به عنوان یک شهرک یا محل حاکم‌نشین عمل می‌کرده است و شاید بنای قلا گوری به عنوان یک کوشک یا خانه اربابی تحت کنترل برزقاوله بوده است. آتشکده ویزنهار قلعه استراتژیکی سیرم‌شاه^۸ با موقعیتی ویژه مشرف به محوطه‌های برزقاوله و قلا گوری نقش بسزایی در تحولات منطقه داشته است (تصویر ۳). همچنین پل رماوند که به همراه محوطه قلا گوری کشف و کاوش شد، به عنوان حلقه اتصال راه ارتباطی دره شهر - کرمانشاه بر اهمیت منطقه افزوده است. گچبری‌های به‌دست‌آمده از این دو محوطه و سفالینه‌های لعاب‌دار و منقوش آنها گویای گوشه‌ای از اهمیت و تمول ساکنان این محل بوده است. محوطه‌های کاوش‌شده دیگری همچون لاره‌لاره و گندم‌زار و ۶۹ محوطه شناسایی‌شده مربوط به دوران

(گنبدها اغلب بر روی زمینه‌های مربع یا مربع‌مستطیل شکل می‌گیرد)، و با اطمینان خاطر بیشتر فضا را مسقف می‌ساخته است. در فضای شماره S4 این بنا برای ساخت فضای یکپارچه و نسبتاً وسیع (به دلیل کاربری خاص)، سازه‌ی بنا برای تحمل بار آسمانه‌سغ (خمیده) در میانه فضا از ستون کمک گرفته است.

- به علت عدم مشاهده داغ طاق بر روی جداره‌ها و نامعلوم بودن جای پا کار قوس سقف، تخمین ارتفاع سقف دشوار است. قدر مسلم اینکه ارتفاع سقف و بلندای آن در حدی بوده که در یک دوره بدون ایجاد مشکل در ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر نسبت به کف اولیه، کف بعدی ساخته شده است.
- با توجه به مقایسات تطبیقی به‌عمل‌آمده (در بخش نحوه نورگیری) ساختار فضایی و عدم وجود پنجره احتمالاً نورگیری بنای قلا گوری همچون خانه اربابی از سقف بوده است.
- با توجه به مقایسات به‌عمل‌آمده از سفالینه‌های محوطه‌های ذکرشده با محوطه‌های شهر تاریخی سیمره و همچنین تطبیق سازه‌های معماری و گچبری‌های نفیس به‌دست‌آمده از محوطه‌های برزقاوله و قلا گوری، احتمال می‌رود که دره سیمره در دوره ساسانی به مثابه یک تمدن کوچک منطقه‌ای در غرب کشور حیات فرهنگی پررونقی داشته با توجه به ارتباط این حوزه با شهر تاریخی سیروان

تاریخی بر اهمیت منطقه سیمره در دوره ساسانی صحه می‌گذارد.

- محوطه قلا گوری رماوند مشرف به رودخانه دائمی پرآب در میان دره‌های سرسبز با پوششی نیمه‌مترکم از درختان بید وحشی - که با کوه‌های آهکی و گچی محصور شده - قرار دارد. شاید این منظرگاه مناسب انگیزه ساخت و علت جدایی نسبی این بنا از محوطه بالا دست (محوطه برزقاوله) باشد. بر این اساس احتمالاً می‌توان کاربری این بنا را یک کوشک با منظرگاه طبیعی غنی تصور کرد که تزئینات گچبری فاخر و استحکام قابل قبول آن حاکی از تمول صاحبان آن است.
- در پایان لازم به ذکر است که متأسفانه محوطه قلا گوری پس از سه فصل کاوش نجات‌بخشی با آگیری سد سیمره در سال ۱۳۹۳ به همراه بیش از ۱۲۰ محوطه باستانی به زیر آب رفت. لذا سعی خواهد شد در آینده نزدیک با ارائه مقالات مفصل‌تری به تشریح و تبیین دستاوردهای این کاوش‌ها در ابعاد مختلف بپردازیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. در اکثر نقاط ایران به‌ویژه زاگرس و لرستان به دلیل عدم آگاهی مردم از زمان شکل‌گیری آثار و بناهای تاریخی، اغلب آنها را به گبریان نسبت می‌دهند؛ به عنوان مثال قبور گبریان، قلعه گبریان و... وجه تسمیه قلا گوری نیز در بین مردم محل به معنی قلعه گبریان است.
۲. در گویش محلی برزقاوله به معنای زمینی است که در بلندی واقع شده است (زمین مرتفع).

3. Char aw roo

4. Brazghawela

۵. گچبری‌های به‌دست‌آمده از فصل نخست کاوش محوطه قلا گوری در مقاله‌ای جداگانه معرفی شده‌اند. برای آگاهی بیشتر نک: حسن پور، ۱۳۹۳: ۴۴۷.

۶. ممکن است تعدد طاقچه‌ها شائبه مهرکده بودن این بنا را در ذهن برخی متبادر سازد، اما این بنا ارتباطی با پرستشگاه‌های

مهری ندارد. چرا که اولاً هیچ عنصر مذهبی یا آیینی که جنبه تقدس داشته باشد در کاوش به دست نیامد و دوم آنکه وجود آتشکده (ساسانی) و مهرابه (اشکانی) قلعه کهزاد ویزنهار (معتمدی، ۱۳۷۱: ۸ و ۱۶) در منطقه رماوند، جوابگوی ساکنان منطقه بوده است.

7. Masabzan

8. Sirem shah

منابع

- ابرلندر، تئودور. (۱۳۷۹). *رودخانه‌های زاگرس*. ترجمه معصومه رجبی و احمد عباس‌نژاد. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- اسماعیلی، خدیجه. (۱۳۸۶). *نقشه‌های جغرافیایی استان لرستان*. خرم‌آباد: اداره کل برنامه و بودجه استان لرستان.
- بروجنی، سیدرسول. (۱۳۸۶). *گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوضه آگیری سد سیمره*. پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- بزرگمهری، زهره. (۱۳۸۱). *مصالح ساختمانی (آژند، اندود، آمود)*. تهران: موسسه انتشارات تعاون سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۳). *سیک‌شناسی معماری ایرانی*. چ ۴. تهران: نشر معمار.
- حسن پور، عطا. (۱۳۸۶). *گزارش بررسی و شناسایی بخش زاغه شهرستان خرم‌آباد*. پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- حسن پور، عطا. (۱۳۸۹). *گزارش فصل نخست کاوش محوطه قلعه گوری رماوند*. پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- حسن پور، عطا. (۱۳۹۳). «نگاهی به یافته‌های معماری و گچبری حاصل از نخستین فصل کاوش نجات‌بخشی محوطه قلعه گوری سیمره». در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۴۷-۴۵۲.
- (بهمن ۱۳۷۸). *طرح سرشاخه‌های کرخه*، گزارش نهایی مطالعات مرحله اول سد و نیروگاه سیمره؛ پیوست ۳-۴: گزارش زمین‌شناسی مهندسی. شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران.
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۷). *ایران در زمان ساسانیان*. مترجم رشید یاسمی. تهران: انتشارات راستی نو.

- Harrison, J.V. and N.L. Falcon. (1938). «An ancient landslide at Saidmarreh in Southwestern Iran».in *Journ Geol*. no.46, pp.296-309.
- Huff, D. (1987).”Architecture II. Sassanian Period”. in *Encyclo paedia Iranica*, Vol II,
- Stein, Marc Aurel. (1940). *Old Routes of Western Iran*. London.

- لشگری، آرش و کامیار عبدی. (۱۳۸۹). گزارش کاوش فصل نخست محوطه برزقاوله. پژوهشکده باستان شناسی (منتشر نشده).
- لک پور، سیمین. (۱۳۸۹). کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان شناسی دره شهر (سیمره). تهران: انتشارات پازینه.
- مالکی، ابراهیم و فرانک بحر العلومی. (۱۳۷۸). «معرفی دو پارینه زمین لغزه در منطقه سیمره». در ویژه نامه دهمین کنفرانس ژئوفیزیک ایران، دانشگاه تهران، فصلنامه مهتاب قدس، ص ۳۶-۴۰.
- معتمدی، نصرت‌الله. (بهار ۱۳۷۱). «قلعه کهزاد ویزنهار». در میراث فرهنگی، سال سوم، ش ۵، ص ۸ - ۱۶.